

فنون ادبی (علمی - پژوهشی)

دانشگاه اصفهان

سال سوم، شماره ۲، (پیاپی ۵) پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۹۳-۱۱۶

دکتر احمد کریمی\* کلثوم وقاری\*\*

### چکیده

صور خیال، بیان غیرمستقیم معنای پوشیده، در پس کلمات است و شاعران برجسته، به ارزش تصویر پردازی بجا، بموقع و به اقتضای کلام آگاه‌اند. آثار سید حسن حسینی، از نظر صور خیال بسیار غنی است. در این مقاله کوشش شده است، صور خیال در مجموعه‌های شاعر، براساس عناصری چون، تشبیه، استعاره، نماد، کنایه، مجاز، پارادوکس و حسامیزی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در حوزه تشبیهات، در آثار سیدحسن حسینی، تشبیه مفصل و بلیغ و تشبیهات حسّی به حسّی بسامد بیشتری دارند. از نظر موضوع، مشبه اغلب خود شاعر، قهرمان شاعر و عناصر انتزاعی است و به لحاظ مشبه به، غالباً از عناصر طبیعی، اشیا، حیوانات، عناصر دینی و ملّی و بندرت عناصر انتزاعی استفاده شده است. از انواع استعاره، نوع مصرّحه و استعاره مکنیه هر دو بسامد بالایی دارد و در تشخیص نیز شاعر به مفاهیم متنوعی توجه نشان داده و در سطح گسترده‌ای از آن استفاده کرده است. عناصر سازنده خیال او به لحاظ مستعارونه عمده عناصر طبیعی، اشیا و جانداران می‌باشند و عناصر سازنده خیال به لحاظ مستعارله را تصاویر مربوط به معبود ازلی، شاعر و خصوصیات وی، دین و پیامبر و اهل بیت و تصاویر مرتبط با انقلاب و جنگ و شهیدان تشکیل می‌دهند. شاعر در همه آثارش از اسناد مجازی بوفور بهره می‌گیرد. در بخش نماد، سید حسن حسینی، از سه خاستگاه نماد؛ یعنی طبیعت، آیین‌های ملّی و اساطیری و دین و مذهب و بیش از همه از طبیعت برای ارائه تصاویر و بیان احساسات خود استفاده کرده است. نمادهای به کار گرفته شده در اشعار او عمده نمادهای قراردادی و مرسوم‌اند. کاربرد عناصر طبیعت در مقام نماد منجر به شکل‌گیری سمبولیم اجتماعی در آثار او شده است. کنایه‌های موجود در آثار شاعر به لحاظ مکنی‌عنه، کنایه‌های فعلی و به لحاظ وضوح و خفا، تقریباً تمامی آن‌ها از نوع ایما است. مجاز به علاقه‌های مختلف در اشعار او به کار رفته که مجاز به علاقه آلیه و لازمی نسبت به انواع دیگر بیشتر به چشم می‌خورد.

پارادوکس‌ها به دو صورت بیانی و اسنادی آمده که تعداد آنها در حد متوسط قرار دارد. در مورد حسّامیزی نیز، گاهی دو حسّ ظاهری به یکدیگر نسبت داده شده و گاهی یک حسّ ظاهری به یک امر ذهنی که نوع اولّ بسامد بیشتری دارد.

## واژه های کلیدی

خیال، تشبیه، استعاره، نماد، مجاز، کنایه، پارادوکس، حسّامیزی، سیّدحسن حسینی.

## مقدمه

سیّدحسن حسینی یکی از شاخص‌ترین شاعرهای شعر آیینی معاصر است. «عمده شهرت او در شعر و به واسطه دو مجموعه شعر «هم صدا با حلق اسماعیل» و «گنجشک و جبرئیل» است. محتوا و مضامین این دو مجموعه عمده بر محور عاشورا و کربلا است... صلابت کلام، روح حماسی، استواری سخن، بیان حادثه کربلا در قالب‌های نو، تخیل قوی و تصاویر نو... ارتباط قوی اجزا، موسیقی بیرونی و درونی از جمله عوامل توفیق این مجموعه‌ها است» (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۶۵۵).

هنر و زیبایی، درست تقلید کردن و محاکات است. منظور از تقلید و محاکات این است که هنرمند، دقیقاً شخصیت یا صورت ماده تشکیل دهنده هنری را ترسیم کند. هنرمند باید اشیا را آن طور که بوده و هست یا آن طور که می‌گوید یا فکر می‌کند که بوده و یا آن طور که می‌بایستی باشد؛ نمایش دهد.

از این دیدگاه شعر نوعی هنر محسوب می‌شود؛ زیرا شاعر همانند نقاشی است که تصویر می‌آفریند؛ اما این تصویر، اثر ذهنی یا شباهت قابل رؤیتی است که به وسیله کلمه، عبارت یا جمله نویسنده یا شاعر ساخته می‌شود تا تجربه حسّی به ذهن خواننده یا شنونده منتقل گردد.

بنابراین چگونگی نمایش درک و اندیشه‌های شاعر، زیبایی اثر وی را آشکار می‌سازد. بر این اساس وی با بهره‌گیری از امکانات بی‌حدّ بیانی، برای القای معانی خود سود می‌جوید. تسلط و توانایی سیّدحسن حسینی در بهره‌گیری از عناصر زیبایی ساز کلام نشان از اطلاعات بسیار او در زمینه شعر و شاعری دارد بطوری که اگر خواننده‌ای آگاه و نکته بین نباشد، درک بعضی از اشعار سیّد حسن حسینی برای وی دشوار خواهد بود. در این مقاله هفت عنصر از عناصر زیبایی کلام در آثار شاعر مورد نقد و بررسی قرار گرفته و جداول و نمودار آماری هر یک از آنها ارائه گردیده است.

**الف) تشبیه:** این بخش زیباترین محورهای خیال شاعر است که در این مقاله، از نظر شکل و ساختار، و سپس به لحاظ موضوع مشبه و مشبه به، بررسی شده است.

**ب) استعاره:** شکل تکامل یافته تشبیه که در آثار شاعر از لحاظ ذکر مستعار له یا مستعار منه که به مصرّحه و مکنیه تقسیم می‌شود و انواع استعاره مصرّحه (مجرّده، مرّشحه، مطلقه)، استعاره مکنیه (تشخیص و غیرتشخیص)، و اسناد مجازی مورد تحلیل واقع شده است.

**ج) نماد:** نمادها در آثار شاعر به دو بخش (نمادهای قراردادی و شخصی) و خاستگاه آنها تقسیم‌بندی گردیده و برای هر کدام نمونه‌هایی ذکر شده، در ادامه آن، به سمبلیسم اجتماعی در وی آثار پرداخته شد.

(د) کنایه: یکی دیگر از ابراز تصویر سازی کلام در آثار شاعر است که انواع آن به لحاظ مکنی عنه و از لحاظ وضوح و خفا مورد بررسی قرار گرفته است.

(ه) مجاز: پس از تعریف مجاز، نمونه‌هایی از شعر شاعر با علاقه‌های متفاوت ذکر شده است. از بین انواع مجاز، آئیه و لازمیّه از بسامد بالاتری برخوردار بودند.

۲- بدیع: در بخش بدیع از میان آرایه‌ها و صنعت‌های ادبی، آرایه‌های معنوی پارادوکس و حسامیزی بررسی شد.

(الف) پارادوکس: در آثار شاعر به دو شکل بیانی و ترکیبی مورد بررسی قرار گرفته است.

(ب) حسامیزی: که نوعی آمیزش حواس با هم است، در مجموعه‌های حسینی به دو صورت مورد بررسی قرار گرفته است.

در این مقاله از مجموعه‌های شعری سید حسن حسینی با عنوان‌های: ۱- سفرنامه گردباد، ۲- در ملکوت سکوت، ۳- هم صدا با حلق اسماعیل، ۴- گنجشک و جبرئیل، ۵- از شرابه‌های روسری مادرم، ۶- نوش داروی طرح ژنریک، که شامل اشعار سنتی و نو شاعر است به عنوان مآخذ استفاده شده است.

#### نقد و بررسی

«تصرف ذهن شاعر در مفاهیم عادی و ارتباطات زندگی انسان با طبیعت، یا طبیعت با طبیعت، چنانکه می‌دانیم، حاصل نوعی بیداری اوست، در برابر این ارتباطات. ذهن شاعر تنها ذهنی است که می‌تواند در برابر احساس این نوع ارتباطات بیدار شود. این ارتباط‌ها تا بیکران گسترده است به گسترش حیات انسانی و تاریخ و فرهنگ بشری» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۲۱).

از آنجا که هر کس در زندگی خاص خود تجربه‌هایی ویژه خویش دارد؛ طبعاً صور خیال او نیز دارای مشخصاتی است و شیوه خاصی دارد که ویژه خود اوست.

«شکل‌های خیال؛ یعنی تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه، موضوع فن بیان است هر سخنور و سخن‌سنجی، به ضرورت هنر و پیشه خود، ناگزیر از آگاهی با روش شناخت شکل‌های خیال است» (ثروتیان، ۱۳۶۹: ۹).

خیال دامنه پهنآوری دارد که شاعر تجربیات خود را با تخیل آمیخته و چاشنی کذب را بر آن افزوده از آن آرایه دلپذیر تشبیه را می‌آفریند «تشبیه هسته اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است. صورت‌های گوناگون و نیز انواع تشبیه مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا و عناصر مختلف کشف می‌کند و به صورت‌های مختلف به بیان در می‌آید» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۴).

سید حسن حسینی شاعری است، در قالب‌های سنتی و نو شعر سروده است. در اشعار وی، تشبیه از نظر ساختار تقریباً همه انواع آن، از جمله: تشبیه مرسل، مؤکد، مفصل و بلیغ به چشم می‌خورد. شاعر اندیشه‌ها و عواطف خود را بیشتر به یاری تشبیهات بلیغ و مفصل ارائه داده است. تشبیه بلیغ، بصورت اضافی و غیراضافی (اسنادی) به کار رفته که در این میان، تشبیه بلیغ اضافی کاربرد بالاتری دارد.

نمونه تشبیه بلیغ اضافی:

کوچ مادرم / شغالان هیاهو را / به نیشخند می‌گزید

(شرابه‌های روسری مادرم، ص ۴۱)

نمونه تشبیه بلیغ غیر اضافی:

چشم من زاینده رودی دیگر است از کرامات سپاهان دلت

(سفرنامه گرد باد، ص ۴۲)

در تشبیه بلیغ از وجه شبه خبری نیست. در واقع با حذف وجه شبه تلاش ذهنی و کسب لذت ادبی بیشتر می‌گردد و بر تأثیر تشبیه می‌افزاید. حذف ادات تشبیه، ادعای اتحاد و همسانی مشبّه و مشبّه‌به، را قوت می‌بخشد و تلاش و کند و کاو ذهن را افزون می‌سازد.

تصاویر تشبیهی در آثار شاعر بیشتر از نوع حسّی به حسّی است. «در این نوع تشبیه یک چیز حسّی به چیز حسّی دیگری مانند می‌شود. منظور از حسّی، اموری است که با یکی از حواس پنجگانه چشایی، بساوایی، شنوایی، بینایی و بویایی قابل درک باشند» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۶).

به عنوان نمونه، شاعر در بیت زیر خود را به درخت تشبیه کرده است که هر دو به لحاظ بینایی و بساوایی قابل درکند. آنچه که در اهمیت این نوع تشبیهات می‌افزاید، نوآوری در وجوه شباهت آنهاست.

درختم من، آواره در بادها / شکوفایی ام رفته از یادها

(مثنوی ۱۴۰/۴/۵۵)

البته تشبیهات از نوع عقلی به حسّی نیز در آثار سید فراوان دیده می‌شود. و در مجموعه‌های مورد بررسی، بعد از تشبیه حسّی به حسّی این نوع تشبیه بیشترین بسامد را دارد. هدف از تشبیه عقلی به حسّی، بیان و توضیح حال مشبّه می‌باشد، اگر مشبّه‌به، محسوس باشد، مشبّه معقول بخوبی در ذهن آشکار می‌شود.  
نمونه:

جوانان بنی هاشم / گرد غربت از حنجره / می‌تکانند. (گنجشک و جبرئیل، ص ۴۸)

وجه شبه حالات، صفات و تمامی عناصر مشترکی است که بین «مشبّه» و «مشبّه‌به» وجود دارد. به عبارت دیگر همه آن خصیصه‌های مشترکی که مشبّه را به مشبّه‌به پیوند می‌دهد، از موارد وجه شبه محسوب می‌شود. وجه شبه در تشبیهات مفصل و بلیغ غالباً مفرد است؛ اما گاهی در تشبیهات بلیغ وجه شبه متعدّد هم به چشم می‌خورد. در اشعار سیدحسن حسینی بندرت به تشبیه مرکب بر می‌خوریم؛ اما همین اندک تشبیهات مرکب وی، از زیبایی و تازگی ویژه‌ای بهره دارد که حاکی از ذوق هنری شاعر است. در ادامه به نمونه‌هایی از تشبیهات که در آنها وجه شبه‌های مفرد، متعدّد و مرکب به کار رفته اشاره می‌کنیم:

وجه شبه مفرد:

مثل شمعی محتضر اماج تاریکی شدم / تیر اخر بر جگر از چله بادم رسید

(سفرنامه گرد باد، ص ۶۴)

وجه شبه متعدّد:

ای کریم آسمانی با نگاه روشنت / سکه مهتاب را دادی به شب‌های فقیر

(سفرنامه گرد باد، ص ۵۱)

«سکه مهتاب» اضافه تشبیهی است و درخشندگی و گردی، وجه شبه متعدّد آن به شمار می‌آید. همچنین ترادف‌ها و تضادها و به طور کلی مناسبات معنایی میان واژه‌های «روشن»، «مهتاب»، «شب‌ها» و «کریم»، «سکه»، «فقیر» موجب زیباتر شدن این بیت شده است.

وجه شبه مرکب:

با زمزمه سرود یا رب رفتند      چون تیر شهاب در دل شب رفتند

(هم صدا با حلق اسماعیل، ص ۱۲۷)

وجه شبه مرکب «حرکت شیء سرخ در تاریکی است». در بیت فوق برجستگی جنبه‌های تلمیحی بر زیبایی آن افزوده است.

در آثار حسن حسینی تشبیهات به لحاظ شکل و انواع آن مانند: ملفوف، مفروق، تسویه، جمع، مضمر و تفضیل مشاهده می‌شود که نوع مفروق نسبت به موارد دیگر از بسامد بالاتری برخوردار است.

نمونه‌ای از تشبیه مفروق:

دلنان، چشمه جوشنده ایمان و یقین      رود همواره خروشان شرف، پیکرتان

(همان، ۱۷)

آن چنانکه ملاحظه می‌شود، هر مشبّه، در کنار مشبّه‌به خود ذکر شده است.

سیدحسن حسینی در ابیات تشبیهی، از دو صفت اغراق و مراعات نظیر بخوبی بهره می‌گیرد. از آن‌جا که یکی از ویژگی‌های شعر حسینی کاربرد مراعات النظیر است، تشبیه و مراعات نظیر بسامد بالاتری دارد. استفاده از اغراق و مراعات النظیر؛ بویژه در کتاب «هم صدا با حلق اسماعیل» برجسته‌تر است. آنگاه که شهادت حضرت عباس را بیان می‌کند. تصویر شکستن کوه از کمر با ایهام «کمر» و اغراق زیبای آن، از سختی و سنگینی حادثه خبر می‌دهد. همچنین کاربرد صفت «رشید» برای توصیف واژه «راز» برجستگی زیبایی‌شناسانه یافته و جنبه آشنایی زدایانه دارد.

تو آن راز رشیدی / که روزی فرات / بر لب آورد و کنار درک تو / کوه از کمر شکست

و یا تناسب زیبایی کوه و کمر، فرات لب و ... (گنجشک و جبرئیل، ص ۳۸)

«اغراق تأثیر سخن شاعر را در جهت موضوعی که بیان می‌کند، بیشتر و مؤثر می‌سازد. اغراق در هر مضمونی سبب می‌شود که آن مضمون از حدّ یک امر عادی و طبیعی خارج شود و همین خروج از حوزه عواطف عادی، برجستگی و تشخیص و عظمت خاصی به آن می‌بخشد» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۵۳).

نمونه‌ای از اغراق در تشبیه:

خورشید سحر سرشک خون می‌بارید      یک کرب و بلا، ستاره پر پر شده بود

(هم صدا با حلق اسماعیل ۱۵۲/۲/۱۲۴)

«مراعات النظیر آوردن معانی متناسب در سخن است که ممکن است با مشبّه یا وجه شبه و یا هر دو و هر سه آورده شود. مراعات النظیر یکی دیگر از وضعیت‌های بدیعی است که اگر با تشبیه همراه باشد، باعث زیبایی و آرایش تشبیه خواهد شد و تشبیه را از نارسایی و ابتذال دور نگه می‌دارد» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۴۷۹).

نمونه‌ای از مراعات النظیر در تشبیه:

غرق در خلسه خونین نمازی دگراست

(هم صدا با حلق اسماعیل: ۲۷)

پیر شیراز وضو ساخته از چشمه عشق

یکی دیگر از شگردهای مرتبط با تشبیه که شاعر از آن بهره می‌گیرد، تراحم تشبیه (تشبیه در تشبیه) است و منظور از آن این است که شاعر، چند تشبیه را با هم در یک بیت ذکر کند. مهم‌ترین کارکرد تراحم تشبیه در ابیات، برجسته کردن جنبه زیبایی شناختی آنهاست. همچنین در مورد تراحم تشبیه، به دلیل وجود چندین تشبیه در کنار یکدیگر و فشرده شدن ابیات، عمده وجه شبه ذکر نمی‌گردد: از این رو کلام از ایجاز بالایی برخوردار می‌شود. البته گاهی، این ویژگی ممکن است موجب نامفهوم شدن معنی یا دیریاب شدن آن گردد.

نمونه‌ای از تراحم تشبیه:

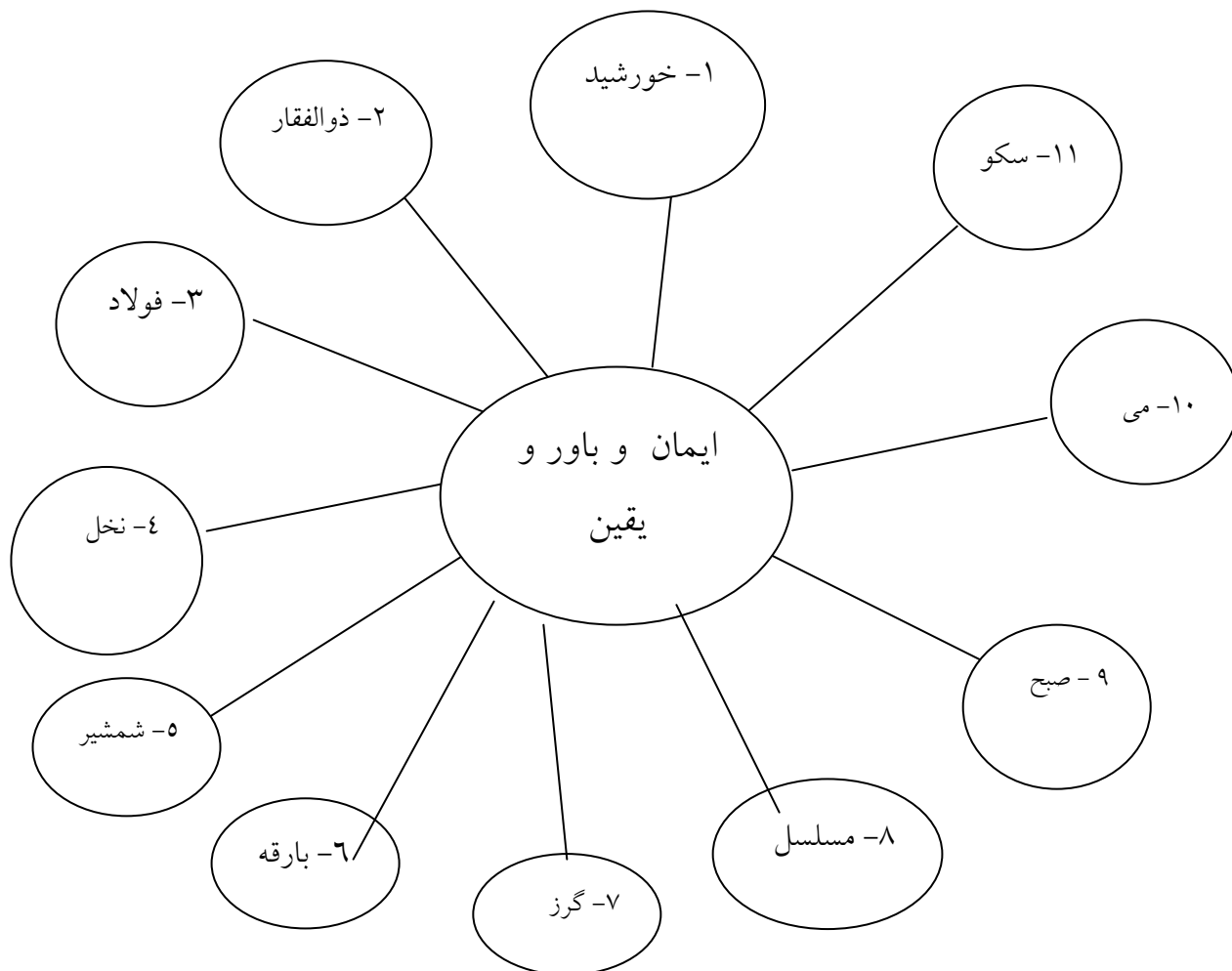
آینه حق، روح معمایی ماست

(سفرنامه گرد باد، ص ۱۷)

گنجینه طوفان، دل دریایی ماست

در آثار شاعر، همچون بسیاری از شاعران دیگر دو رکن تشبیه؛ عنی مشبه و مشبه‌به، شامل موضوعات مختلفی می‌شود. از یک سو موضوعات مرتبط با مشبه در برگزیده مقوله‌هایی مانند: شاعر، قهرمان (دینی و انقلابی) و عناصر انتزاعی می‌شود، و از سوی دیگر، موضوعاتی از قبیل عناصر طبیعی، اشیا، حیوانات و عناصر دینی و ملی در ارتباط با مشبه به قرار می‌گیرد.

نمونه زیر یکی از هاله‌های تصویری مرتبط با «موضوع مشبه: ایمان» می‌باشد:



همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شاعر برای ایمان و باور خویش به واسطهٔ مشبّه‌به‌هایی که برشمرده است، ویژگی‌های بخصوصی قائل است. واژگان خورشید، صبح، بارقه و می نشان از ایمانی روشن و خالص دارند. همچنین کلمات ذوالفقار، شمشیر، فولاد و... از باوری دینی و خدشه‌ناپذیر حکایت می‌کنند و در نهایت «مشبّه‌به» های نخل و سکو مبین آزادگی و بلندای یقین شاعر می‌باشند.

#### شماره ابیات:

(شعر نو / ۱۱۹/۴/۵۷) در ملکوت سکوت - (شعر نو / ۷۳/۲۰/۳۰) هم صدا با حلق اسماعیل - (رباعی / ۱۱۶/۱/۱۵)  
 هم صدا با حلق اسماعیل - (رباعی / ۱۱۹/۱/۲۵) هم صدا با حلق اسماعیل - (غزل / ۱۱/۴/۱) هم صدا با حلق اسماعیل  
 - (غزل / ۱۷/۱/۴) هم صدا با حلق اسماعیل - (مثنوی / ۴۱/۲۱/۱۵) هم صدا با حلق اسماعیل - (رباعی / ۱۴۳/۲/۹۶)  
 هم صدا با حلق اسماعیل - (غزل / ۱۰۹/۱/۴۳) سفرنامهٔ گردباد - (رباعی / ۱۵۷/۱/۱۳۷) هم صدا با حلق اسماعیل -  
 (شعر نو / ۵۷/۲۱/۱۹) از شرابه های روسری مادرم

نمونه‌هایی از تشبیه به اعتبار موضوع مشبّه:

الف) مشبّه: شاعر

من همان خاک زمین‌گیر پریرم که امروز / آتش عشق تو، هم مشرب آبم کرده‌ست  
 (هم صدا با حلق اسماعیل، ص ۳۵)

ب) مشبّه: قهرمان (دینی و انقلابی)

باغ کرامت است / گلوی تو/ یا حسین! (گنجشک و جبرئیل، ص ۳۰)

ج) مشبّه: عناصر انتزاعی

در گورستان ثانیه‌ها / جنگلی انبوه از حسرت / - در هم تنیده - شکفته است (در ملکوت سکوت، ص ۴۸)  
 نمونه‌هایی از تشبیه به اعتبار موضوع مشبّه به:

الف) مشبّه به: عناصر طبیعی

تیغ یادش ریشهٔ اندوه و غم را می‌زند / آفتاب هستی‌اش چشم عدم را می‌زند  
 (سفرنامهٔ گردباد، ص ۱۵۷)

ب) مشبّه‌به: اشیا

شاعری بار امانت نتوانست کشید / تکیه بر بالشی از عرفان داد

(نوش داروی طرح ژنریک، ص ۳۵)

ج) مشبّه‌به: حیوانات

همچو کرکس در کمینم بود چنگال هوس / در پناهم، عشق همچون پنجهٔ شاهین گرفت

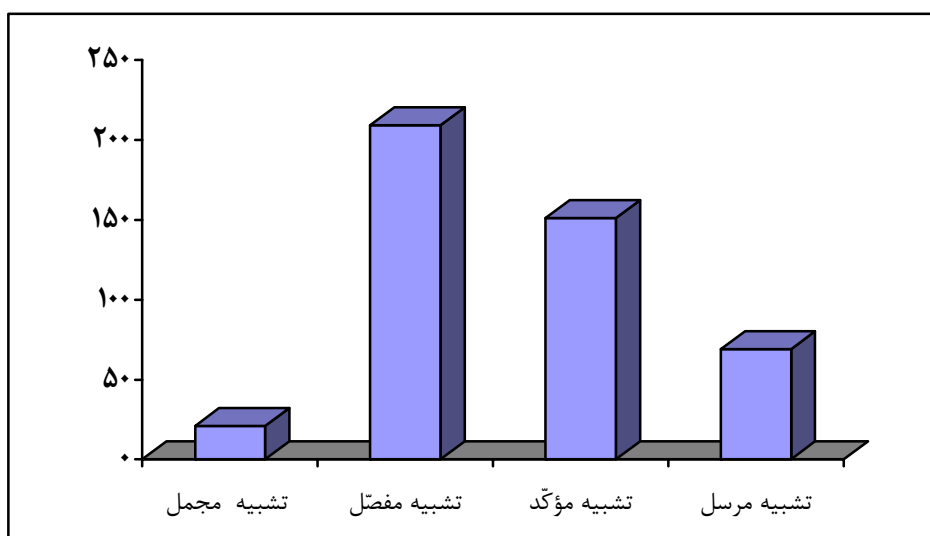
(سفرنامهٔ گردباد، ص ۹۳)

د) مشبّه‌به: عناصر انتزاعی

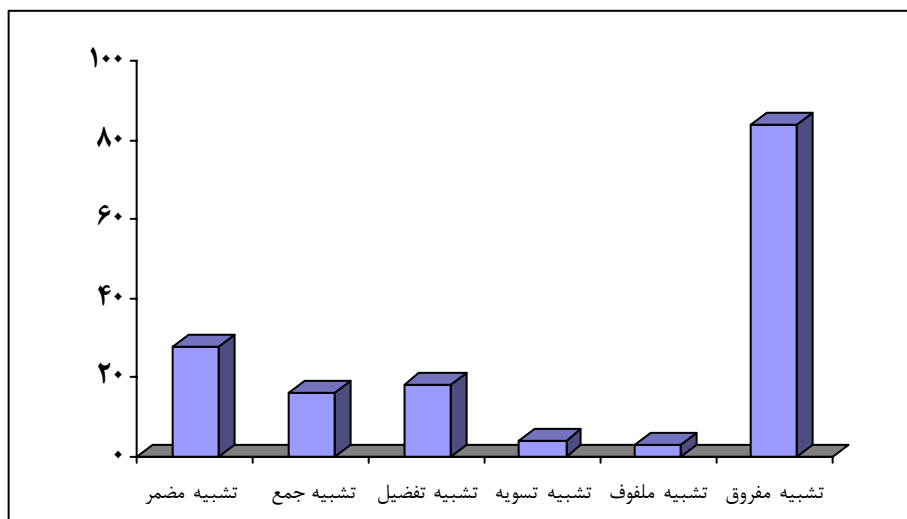
و بهشت / برای نخستین بار / دوزخ تنهایی ام را بلعید! (از شرابه‌های روسری مادرم، ص ۴۹)  
 و گاهی / غیاب یک نخ سیگار / چون حضور دیو سپید / پشت طاقتش را / پیش چشم‌های حیرت‌زده‌ات / خم  
 می‌کند

(در ملکوت سکوت، ص ۴۲)

نمودار شماره ۱: انواع تشبیه از نظر مرسل و مؤکد و مفصل و مجمل در اشعار سیدحسن حسینی

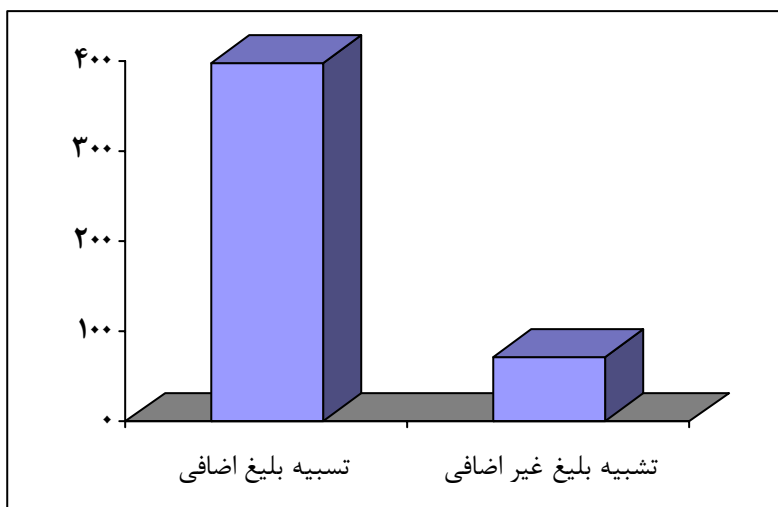


نمودار شماره ۲: انواع تشبیه مضمّر، جمع، تفضیل، تسویه، ملفوف، مفروق به تفکیک در اشعار سیدحسن حسینی

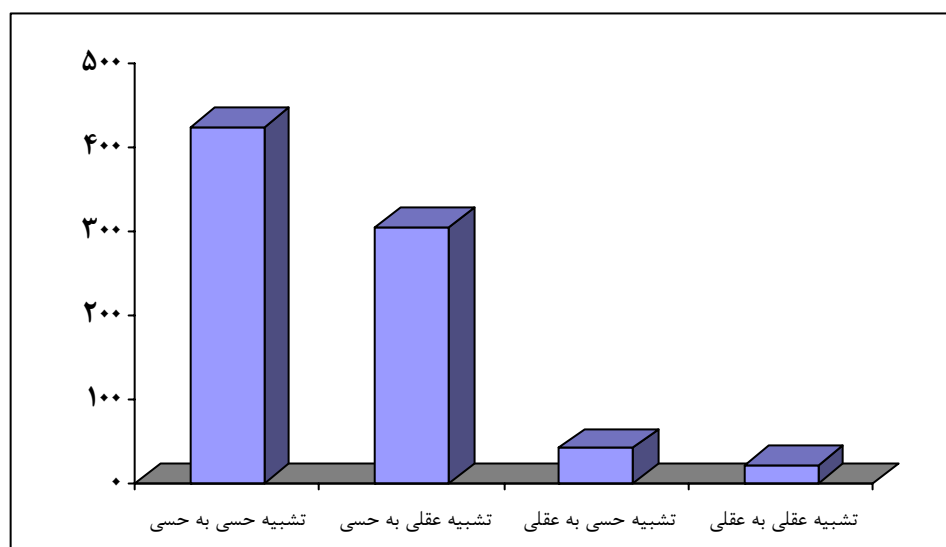




نمودار شماره ۳: انواع تشبیه بلیغ «اضافی، غیراضافی» به تفکیک نوع در اشعار سیدحسن حسینی



نمودار شماره ۴: انواع تشبیه از نظر حسی و عقلی بودن مشبّه و مشبّه به



از دیگر عناصر زیبایی در کلام استعاره است. «یکی از هنرهای شاعرانه که سخنور به یاری آن می‌کوشد تا سخن خویش را هر چه بیشتر در ذهن مخاطب جای گیر گرداند، استعاره است، از این رو استعاره دامی است، تنگ تر و نهان تر از تشبیه که در برابر خواننده گسترده می‌شود» (کزازی، ۱۳۸۵: ۹۴).

استعاره نسبت به دیگر صور خیال رساتر مؤثرتر و قوی تر است؛ چرا که در استعاره با گسترش معانی و ادعای این همانی شاهد تخیل و اغراق هستیم. «شاعر به وسیله «استعاره» به همه چیز جان می‌بخشد. به همه چیز، لطف و ظرافت عطا می‌کند. به حیوانات زبان بیان نسبت می‌دهد و به اشیای بی روح و حس و حرکت» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۷۱).

در اشعار سیدحسن حسینی پس از تشبیه، استعاره زیبایی را در شعر پدید آورده است که این تصاویر با تعابیر و خیال انگیزه خاصی همراه است. استعاره مصرّحه و همه انواع آن (مجرّده، مطلقه و مرّسّحه) از بسامد بالایی برخوردار

است که در این میان تعداد استعارهٔ مرّحّه از سایر موارد چشمگیرتر است. در ادامه، به ترتیب به ذکر نمونه‌هایی از استعارهٔ مصرّحه (مجرده، مرّحّه، مطلقه) که همراه با معنای هنری آن بیان می‌گردد می‌پردازیم:

ستاره: امید

مهتاب مرده است / در من ستاره نیست / اما به چشم تو / سوگند می‌خورم / از آسمان پُرم.  
(نوش داروی طرح ژنریک، ص ۵۱)

- زنبورهای عسل: رهبران شیعه

و غنچه‌ای / بر صدر مصطبه نمی‌شکفت / شانه به شانهٔ زنبورهای عسل  
(از شرابه‌های روسری مادرم، ص ۵۶)

- قنات: ادعیه

آن روز اگر چه تشنه بودی، اما صد رشته در قنات تو گذشت  
(هم صدا با حلق اسماعیل، ص ۱۱۵)

بررسی عناصر سازندهٔ استعارهٔ مصرّحه در اشعار سید حسن حسینی موجب کشف حدود و دامنهٔ سیر خیال شاعر خواهد شد. استعاره در ابیات مجموعه‌های مورد بررسی، در باب عناصر سازنده خیال به لحاظ مستعار منه به تربیت بسامد می‌توان به طبیعت، اشیا و حیوانات اشاره کرد و همچنین می‌توان در بررسی عناصر سازنده خیال به لحاظ مستعار منه به ترتیب بسامد، مواردی از قبیل اهل بیت، انقلاب، جنگ، شهیدان، معشوق ازلی را مشاهده نمود. در مجموع، موضوعات و تصاویر منتخب شاعر در این بخش، بیانگر تفکّر و جهان بینی او است. تصاویر مربوط به اهل بیت و تصاویر عاشورایی از وجه پررنگ شعر شاعر است و از بسامد بالایی برخوردار است و این توجه شاعر، نشان دهندهٔ عشق پاک و خالصانه، درک و فهم عمیق باطنی و حمیت دینی وی است. سید حسن حسینی شاعری است که دربارهٔ او می‌توان گفت آنچه او دریافته و درک کرده همهٔ هستی‌اش بود. این فهم عمیق چنان با ذوق سرشار ادبی و با قلم زلال و نجیب او در آمیخته که در خواننده تأثیری عمیق بر جا می‌گذارد. از آنجا که عناصر سازندهٔ خیال در مستعار منه، به مراتب مهم تر و راه‌گشای درک جهان‌بینی شاعر است، نمونه‌هایی از آن برای تبیین بحث ارائه خواهد شد.

- تصاویر مربوط به معبود و معشوق ازلی:

آفتاب: معشوق آرمانی

و به پای تو پیر می‌شوم / و دلم - دستخوش آفتاب / از میان سرپوش نیلگون / چون چراغی سبز / جوانه می‌زند  
(در ملکوت سکوت، ص ۷۰)

- تصاویر مربوط به شاعر و خصوصیات وی:

آینه‌های ریز: ایمان شاعر

کسی می‌خواست انتقام اجدادش را از من بگیرد / از آینه‌های ریزی که / در من می‌درخشید.  
(در ملکوت سکوت، ص ۸۸)

- تصاویر مربوط به دین، پیامبر و اهل بیت علیه السلام:

کوه صبر: حضرت زینب (س) زلزله: شهادت امام حسین (ع)

کوه صبر فاجعه می‌دانست / آن شیئه غریب / بوی مهیب زلزله می‌داد

(گنجشک و جبرئیل، ص ۲۷)

- تصاویر مربوط به انقلاب، جنگ شهیدان و رزمندگان:

لاله، شب بو زنبق: رزمندگان و شهیدان

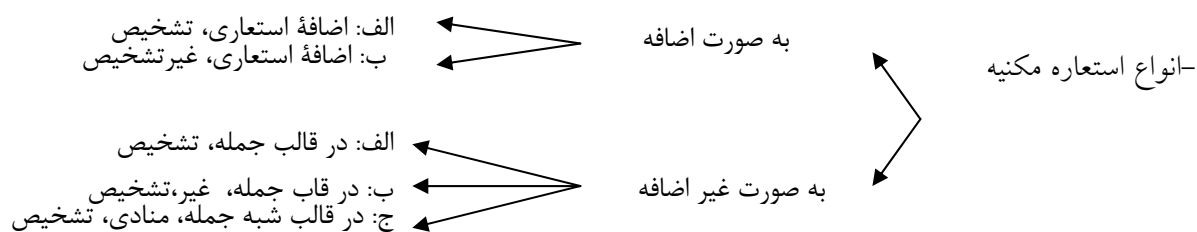
طوفان به خون آلوده، دستش تا به مرفق

در قتل عام لاله و شب بو و زنبق

(هم صدا با حلق اسماعیل، ص ۳۹)

نوع دیگر از استعاره که در آثار سید حسن حسینی مشاهده می‌شود و کاربرد بالایی نیز دارد استعاره مکنیه است. این استعاره برعکس مصرحه است چرا که در آن مشبه به، حذف می‌شود و مشبه ذکر می‌شود لیکن مشبه به، جای خود را به یکی یا چند تا از مناسبات یا اوصاف خود می‌دهد (تجلیل، ۱۳۷۶: ۶۵).

استعاره مکنیه در صورتهای مختلفی جلوه‌گر می‌شود. برای نشان دادن انواع آن می‌توان نمودار زیر را ترسیم کرد.



در مجموعه‌های شاعر، نوع استعاره مکنیه بصورت تشخیص بسیار بیشتر از نوع استعاره مکنیه غیر تشخیص بوده و این امر جانی تازه به کلام وی بخشیده است. در واقع، شاعر از رهگذر جان بخشی، قامت کلمات را با خلعتی زیبا پوشانده است تا کلامش دل نشین تر و زیبا جلوه کند. در بیت زیر، شاعر به واسطه جان بخشی فریاد را موجود زنده‌ای در نظر آورده که دارای گلوگاه است:

همان تیغ‌هایی که می‌اختیم

گلوگاه فریادهای را در ید

(سفرنامه گردباد، ص ۳۱)

و یا برای سال همچون انسان پیشانی قائل است.

روز دوم هم می‌گذرد / دو چروک / بر پیشانی سال جدید (در ملکوت سکوت، ص ۱۳۳)

اضافه استعاری از نوع غیرتشخیص در اشعار شاعر چندان قابل ملاحظه نیست؛ لذا برای پرهیز از اطناب، از ذکر شواهد در این باره خودداری می‌کنیم و در ادامه استعاره مکنیه به صورت غیراضافی و در قالب جمله نیز بصورت جداگانه و تحت عنوان «تشخیص» مورد بررسی قرار خواهیم داد.

تشخیص در اشعار سید حسن حسینی، خیال انگیز و پر کاربرد می‌باشد، وی به وسیله جان بخشی به اشیا و عناصر طبیعی و عناصر انتزاعی شعر خود را سرشار از حیات و حرکت و پویایی کرده است. حوزه تشخیص جولانگاه تفکر و

تخیل شاعر بوده که مفاهیم متنوعی را شامل می‌شود؛ بویژه مفهوم عشق که مورد توجه خاص وی بوده و بطور کلی تمامی مفاهیمی که برای او ویژگی‌های انسانی داشته‌اند، جایگاه و کاربرد ویژه تشخیص در اشعار حسینی موجب زیبایی و پویایی شعر وی شده است. برخی از تصاویری که به واسطه تشخیص ارائه شده‌اند، در نوع خود جالب توجه و از خلاقیت و نوآوری ویژه‌ای برخوردارند، مانند عشق معماری می‌کند (سفر نامه گرد باد، ص ۳) از دیدگاه او گل چون انسان می‌خندد (سفر نامه گرد باد، ص ۲)، گل چون انسان دامن کشان از باغ می‌رود (سفر نامه گرد باد، ص ۶). در این نمونه‌ها عناصر طبیعی و مفاهیم انتزاعی از احساسات و ویژگی‌های انسانی برخوردار می‌شوند.

در بیت زیر شاعر «یکرنگی» را انسانی انگاشته که گوش یا حس شنوایی دارد:

گوش یکرنگی نمی‌جوشد / با هیاهوی راه راه شما (سفر نامه گرد باد، ص ۲۸)

و یا خورشید را همچون انسان می‌داند که هر غروب بر زخم شقیقه قهرمان شاعر اقتدا می‌کند:

که خورشید / در هر غروب / به زخم ستاره گون شقیقه‌ات / اقتدا می‌کند.

(هم صدا با حلق اسماعیل، ص ۶۸)

بطور کلی می‌توان گفت موارد تشخیص در اشعار شاعر عبارت است از، نسبت دادن افعال اعمال، حالات، صفات و عواطف انسانی به عناصر تجریدی و انتزاعی (عشق و مرگ و ...).

شگرد دیگری که باید از آن یاد کرد اسناد مجازی است. کاربرد اسناد مجازی سبب گردید تا شاعر تصاویر خیالی خویش را در قالب گزاره‌های شاعرانه ارائه دهد «در تقسیم بندی اولیه مجاز، اسناد مجازی یکی از انواع دو گانه مجاز است که آن را مجاز عقلی یا مجاز حکمی و مجاز اسنادی نیز می‌نامند. در اسناد مجازی فعل یا خصوصیتی به چیزی نسبت داده می‌شود که در عالم واقع به او تعلق ندارد و برای او انجام دادن آن امکان پذیر نیست، به عبارت دیگر فعل به غیر فاعل حقیقی آن اسناد داده می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۲۷).

حسینی در همنشین کردن کلمات جنبه‌های موسیقایی و معنایی را مورد توجه قرار داده و در این راه، از اسنادهای مجازی بسیار سود جسته است. این ویژگی در اشعار سپید و غزل‌های متأخر او نمود بیشتری دارد و بر شاعرانگی آنها افزوده است. به عنوان نمونه شاعر در مصرع اول بیت زیر انجام عمل «در پرچین گرفتن» را به «کین» و در مصرع دوم «مهلت گرفتن» را به «درد» نسبت داده است:

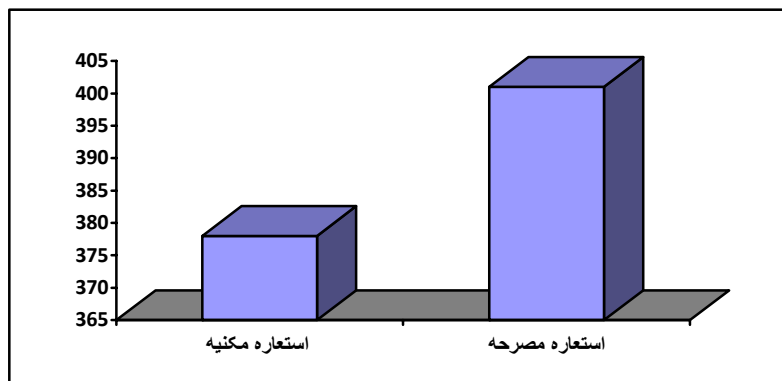
کین، دلم را مثل باغی تشنه در پرچین گرفت درد با نامردی از من مهلت تسکین گرفت

(سفر نامه گرد باد، ص ۹۱)

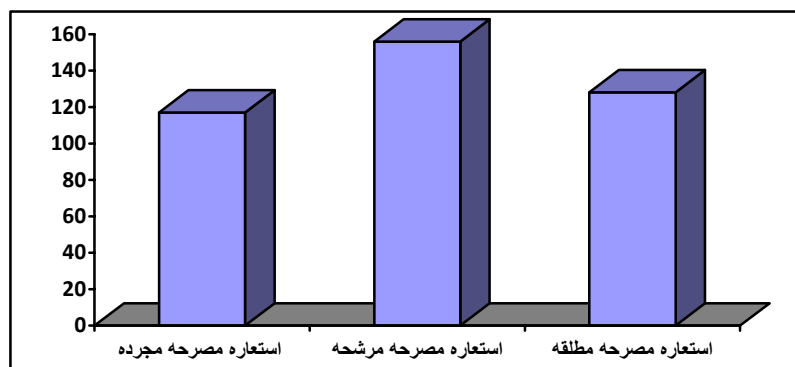
البته در بسیاری از این نمونه‌ها می‌توان قائل به تشخیص نیز شد، در بیت زیر «شرمگین بودن» را به قفس اسناد داده است:

و در بند، حتی / قفس، شرمگین از شکوفایی شوق پروازشان بود (هم صدا با حلق اسماعیل، ص ۷۷)

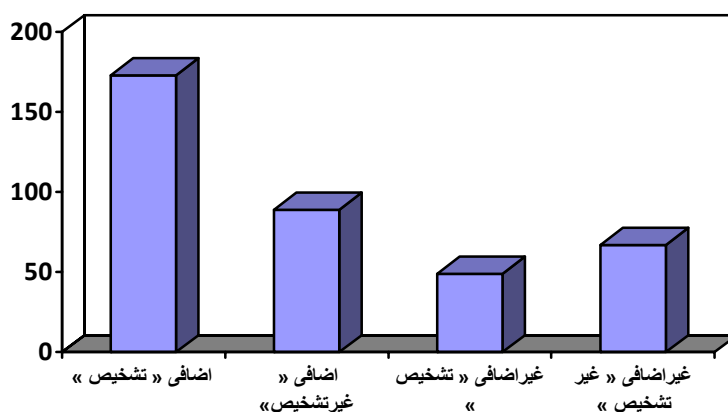
نمودار شماره ۱: انواع استعاره در اشعار سید حسن حسینی



نمودار شماره ۲: انواع استعاره مصرحه در اشعار سید حسن حسینی



نمودار شماره ۳: انواع استعاره مکنیه به تفکیک انواع در اشعار سید حسن حسینی



نماد پردازی یکی دیگر از شگردهای تصویر سازی در اشعار سید حسن حسینی است. «نماد بیانگر کلیات و مفاهیم بزرگ به وسیله موضوعات جزئی است؛ اما این موضوعات و تصاویر جزئی چنان زنده و جاندارند که ذهن را تسخیر می‌کنند. اشیا فقط شیء نیستند، نمادهایی از شکل‌های آرمانی‌اند که در پس آنها پنهانند» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۶۱).

شاعر از سه خاستگاه نماد؛ یعنی طبیعت، آیین‌های ملی و اساطیری و دین و مذهب و بیش از همه از طبیعت برای ارائه تصاویر و بیان عواطف و احساسات خود بهره گرفته است. استفاده از عناصر طبیعت به عنوان نماد منجر به شکل‌گیری سمبلیسم اجتماعی در اشعار وی شده است.

در شعر زیر شاعر آسمان را نماد صداقت و پاکی قرار داده است:

و آسمان را مثل قدحی نیلگون / روی سر دودمانم گرفت

(از شرابه‌های روسری مادرم، ص ۲۸)

در بسیاری از اشعار خود، عناصر گوناگون طبیعت را نماد مفاهیم متفاوتی به کار برده است. به عنوان نمونه باد را نماد سرگردانی و در به دری (در ملکوت سکوت، ص ۲۸) و نسیم را نماد آرامش و شکوفایی (سفرنامه گرد باد، ص ۱۳۸) و... در نظر گرفته است. نمادهای ملی و اساطیری در آثار شاعر به دلیل گرایش‌های اعتقادی و مذهبی وی و همچنین انس و الفت با مفاهیم و ارزش‌های دینی که بطور ملموس در میان توده‌های اوایل انقلاب قابل مشاهده بود چندان چشم‌گیر نیست. اما همان‌شمار اندک نیز جالب توجه و به گونه‌ای شاعرانه به کار رفته‌اند. در بیت زیر «بیژن و رستم» نماد زندانی و در بند افتاده تلقی می‌شوند:

چاه شب را بیژن من، بیژنم رستمی از چاه شب آزاد کو

(هم صدا با حلق اسماعیل، ص ۹۶)

نمادهای دینی در مجموعه‌های شاعر کاربرد گسترده‌ای دارد. نمادهای دینی در ادبیات، آن دسته از عناصری هستند که شاعر یا نویسنده از گنجینه معارف دین و مذهب خاص گرفته و به آن‌ها ماهیت نمادین می‌بخشد. «این نمادها شامل نام پیشوایان و رهبران دین، قهرمانان، مکان‌های مقدس، زمانهای مقدس دینی و اشیا هستند، [...] در شعر نمادین این عناصر در سطح واژگانی نمی‌مانند، مفهوم رمزی پیدا می‌کنند و به یک نماد آیینی بدل می‌شوند» (همان، ۱۹۲).

در ابیات زیر «آیه الکرسی» نماد مصونیت از چشم زخم، «ذوالفقار» نماد ابراز مبارزه با ظلم و «اژدها» نماد ظالم است.

آیه الکرسی را خواندی / با خاطره‌های عرشی / روی هر فرشی که دلت خواست بنشین

(در ملکوت و سکوت، ص ۹۳)

قرآن بخوان / آن گاه / با ذوالفقار / بر اژدها بتاز (گنجشک و جبرئیل، ص ۴۴)

نمادها از نظر نوآوری و رواج نیز متفاوتند: یکی نمادهایی که شاعر خود خلق می‌کند، ابداعی‌اند و دیگر نمادهایی که در ادبیات مرسوم‌اند. سیدحسن حسینی در این بخش، عمده‌ای از نمادهای مرسوم و قراردادی استفاده کرده است. البته در مجموعه‌های شعری او نمادهای ابداعی نیز به چشم می‌خورد؛ اما بسامد بالایی ندارد. نمادهای ابداعی یا خصوصی و یا شخصی ابداع خود شاعر و حاصل تجربه‌های ذهنی خاص اوست و پیش از او کسی واژه را در مفهوم نمادین به کار نگرفته است. نمادهای خصوصی معنای از پیش تعیین شده‌ای ندارند و تنها با توجه به زمینه و بافت اثر است که تا حدی می‌توان به مفاهیم آنها راه یافت. مثلاً «اره برقی» در شعر زیر می‌تواند نماد خشونت، صنعت زدگی و مرگ باشد که نمادی شخصی و ابداعی نیز محسوب می‌شود:

تاجری اره برقی آورد / پای یک منظره را / امضاء کرد! (نوش داروی طرح ژنریک، ص ۲۴)

و یا «پروانه» نماد مهربانی و زیبایی عشق است، در این شعر:

تسیح آسمان / چرخید و پاره شد / پروانه‌ای نشست / روی نگاه من / چشم ستاره شد

(نوش داروی طرح ژنریک، ص ۵۰)

و اما نمادهای مرسوم (قراردادی و عمومی) نمادهایی هستند که بر اثر رواج زیاد در فرهنگ و ادبیات یک ملت و یا در ادبیات جهان به یک مفهوم قراردادی بدل شده و مفهوم آن‌ها برای همگان شناخته شده است. در بسیاری فرهنگ‌ها برآمدن آفتاب، نشانه تولد یا غروب، نشانه مرگ است. بسیاری از نمادهای ادبی در اثر کاربرد زیاد مرسوم و متداول می‌شوند. همان‌طور که اشاره شد، نمادها در آثار شاعر عموماً قراردادی‌اند، در اشاره به برخی از آنها می‌توان به «کبوتر» نماد صلح و آزادی (هم صدا با حلق اسماعیل، ص ۹۶)، و «پنجره» نماد ارتباط و آگاهی (سفرنامه گردباد، ص ۵۴) و «زمستان» نماد انجماد و خفقان (در ملکوت سکوت، ص ۱۳۲) و بسیاری دیگر از این دست اشاره نمود.

استفاده از عناصر طبیعت در مقام نماد در آثار سیدحسن حسینی منجر به شکل‌گیری نوعی سمبلیسم اجتماعی شده است. در واقع می‌توان گفت که در ادبیات معاصر ایران سمبلیسم اجتماعی با نیما به طور جدی آغاز گشت و در ادامه توسط بسیاری از شاعران دیگر پی گرفته شد. درباره خصوصیات سمبلیسم اجتماعی در ادبیات معاصر گفته‌اند: «سمبلیسم ایران معاصر گرایش شدیدی به وقایع اجتماعی دارد. چنان‌که بر شعرهای سمبلیک نیما گاه چنان روح واقع‌گرایانه‌ای غالب است که عینیت اشیا، واقعی در درون شعر کاملاً محسوس و طبیعی است، مانند شعر «ماخ اولاً» که مرز میان واقعیت و رمز آن معلوم نیست. دیگر اینکه سمبولیسم معاصر ایرانی بر خلاف سمبولیسم اروپا به تعهد و الزام اجتماعی و سیاسی پای بند است. سمبولیسم اروپا «شعر ناب» را سر می‌داد اما سمبولیسم ایرانی محتوای روح جمعی جامعه‌ی معاصر ایران را در خود دارد» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۲۴۴).

سیدحسن حسینی در بسیاری از اشعار خود با نگرش واقع‌بینانه نسبت به مسائل جامعه، به بیان سمبلیک وضعیت اجتماعی انسان معاصر ایرانی پرداخته است و در ارائه تصاویر سمبلیک از نمادهایی مثل شب، پاییز، زمستان دیوار، پنجره، باد و ... برای بیان مسائل اجتماعی و تبیین موقعیت‌های پرفراز و نشیب سیاسی استفاده کرده است. اینک نمونه‌هایی از این گونه تصاویر:

- پاییز: اندوه، کدورت، تیرگی

پاییز می‌گذشت / در کوچه‌های سبز / ما سوت می‌زدیم (نوش داروی طرح ژنریک، ص ۵۰)

دیوار: جداماندگی، حائل

تن به مرداب مهیب خستگی‌ها داده‌اند / تکیه بر دیواری از وابستگی‌ها داده‌اند

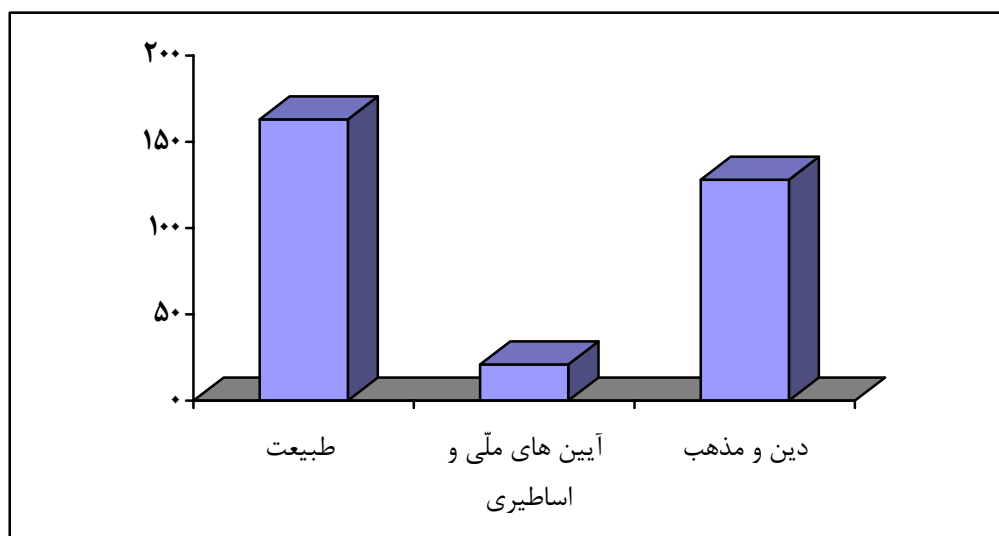
(سفرنامه گردباد، ص ۱۵۵)

آئینه: قلب، ذهن

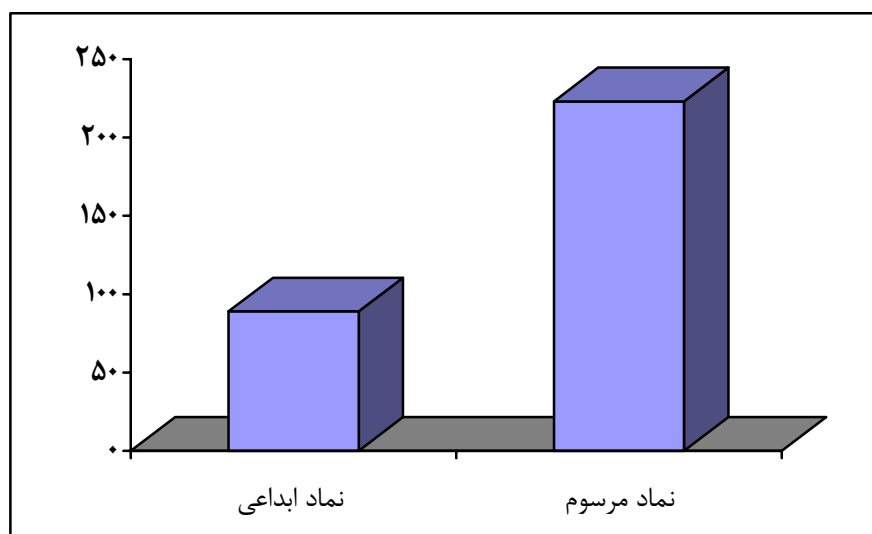
ناگاه تماشای مرا بر هم زد / نفرین به حضور سنگ در آئینه

(سفرنامه گردباد، ص ۱۳۸)

نمودار شماره ۱: انواع نماد به لحاظ خاستگاه آن، طبیعت، آیین‌های ملی و اساطیری، دین و مذهب در اشعار سید حسن حسینی



نمودار شماره ۲: انواع نماد از نظر ابداع و تداول نماد در اشعار سید حسن حسینی



یکی دیگر از ابزارهای تصویرگری که شاعر به مدد آن عواطف و احساسات خود را هنرمندانه و مؤثر ارائه می‌کند، کنایه است. تجلیل در تعریف کنایه می‌گوید: «[کنایه] در زبان هنر بیان، عبارت است از ایراد لفظ و اراده معنی غیرحقیقی آن، آن گونه که بتوان معنی حقیقی آن را نیز اراده کرد» (تجلیل ۱۳۶۹: ۸۴). مهم‌ترین دلیل کاربرد کنایه در اشعار سید حسن حسینی، استفاده از شیوه‌ای مطلوب برای بیان هنری اندیشه‌ها، عواطف و احساسات شاعرانه‌اش بوده است. وی به این وسیله ذهن خواننده‌اش را به تلاش تکاپو وا می‌دارد، طوری که



این تلاش برای دست یافتن به حقیقت، احساس لذت در مخاطب پدید می‌آورد و ارتباط شاعر را با خواننده عمیق تر می‌کند.

در اشعار سید حسن حسینی انواع کنایه به لحاظ مکنی عنه، کنایه از فعل بسیار چشم گیر است و به لحاظ وضوح و خفا، کنایه از نوع ایما از نظر کاربرد غلبه دارد. با این که شاعر از این عنصر زیبایی کلام بصورت گسترده‌ای در شعرش بهره گرفته است؛ اما با توجه به فضای متنوع اشعار در برخی موارد از خود خلاقیت نوآوری‌هایی نیز نشان داده است و برخی کنایات وی مخصوص فرهنگ شعر معاصر امروز است و در کنار این کنایات از کنایه‌های موجود فرهنگ گذشته نیز بهره برده است.

در نمونه‌های زیر تمامی کنایه‌ها به لحاظ مکنی عنه، کنایه از فعل هستند. زیبایی و صمیمیت این ابیات به دلیل استفاده از عناصر فرهنگ عامه و کنایه‌های مردمی است.

جا خوردن: متعجب و شگفت زده شدن

سکوت می‌شکند / مؤمنان از زیارت هم جا می‌خورند (در ملکوت سکوت، ص ۹۵)

به سیم آخر زدن: بی‌مهابا حرکت کردن و نه‌راسیدن

پرواز جنون مکن که در گوشه راز  
آغاز شدن به سیم آخر زدن است

(سفرنامه گردباد، ص ۱۶۸)

پنبه چیزی را زدن: بی‌اعتبار کردن

شاعری / پنبه شب را می‌زد (نوش داروی طرح ژنریک، ص ۳۰)

بیشتر کنایات به کار رفته در اشعار سید حسن حسینی، از نوع ایما هستند «ایما کنایه‌ای است که به محض شنیده شدن، عقل سلیم آن را در می‌یابد و سائط اندک و ربط بین معنی اول و دوم آشکار است. ایما در زبان امروز هم کاربرد دارد و بطور کلی، رایج ترین نوع کنایه است» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۹۸). در بیت زیر «چهار نعل تاختن» کنایه از با سرعت رفتن از نوع ایماست، شاعر گذر عمر و از پی هم گذشتن پرشتاب روزها را با اشاره به برگهای تقویم و عبارت کنایه مذکور، بُعدی تصویری بخشیده است.

برگ‌های تقویم چهار نعل می‌تازند (در ملکوت سکوت، ص ۱۳۴)

«دست کم گرفتن» و «جرزدن» به ترتیب کنایه از به شمار نیاموردن یا اعتنا نکردن و قانون بازی را زیر پا گذاشتن

است که از کنایه‌های پرکاربرد، تازه و امروزی محسوب می‌شوند:

به رگم سنگ پرستان پارسا صورت  
مرام آینه را دست کم نمی‌گیری

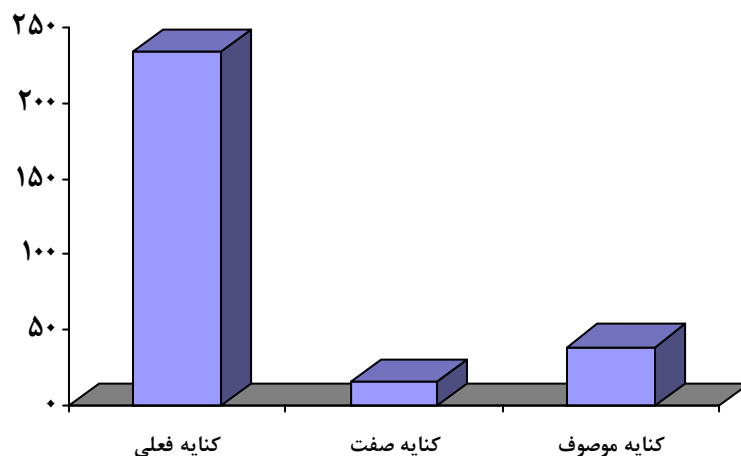
(سفرنامه گرد باد، ص ۵۵)

کارگردانان بازی باز با ما جر زدند  
پنج نوبت را به نام کاسب و تاجر زدند

(سفرنامه گرد باد، ص ۱۵۰)

در اشعار سید حسن حسینی انواع کنایه از موصوف و کنایه از صفت بندرت به چشم می‌خورد و به لحاظ وضوح و خفا نیز، نمونه‌های تلویح، رمز و تعریض تقریباً وجود ندارد.

نمودار شماره ۱: مشخصات آماری انواع کنایه در اشعار سیّد حسن حسینی به لحاظ مکنّی عنه:



از دیگر ابزار تصویر سازی شاعر مجاز می‌باشد، با پنهان کردن معنای قاموسی واژه، آن را در کاربرد عنصری برای بیان پندار شاعرانه خود به کار می‌گیرد، البته بین معنای دو واژه باید پیوندی برقرار باشد تا هنری بودن آن ثابت شود. مجاز به علاقه‌های مختلف در اشعار شاعر وجود دارند که در این میان مجاز به علاقه آئیه و لازمیّه، نسبت به انواع دیگر بیشتر به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه، پلک از باب ذکر جزء و اراده کل، به جای چشم آمده است یا زمین به علاقه محلیّه، ذکر محل و اراده حال مجازاً به معنای مردم روی زمین به کار رفته است.

نمونه های مجاز با علاقه ناهمانندی:

-لازمیّه (لازم و ملزوم):

دم: سخن، کلام

دلَم زیر و رو از دم پاک تو

غزل آسمان شد از خاک تو

(سفرنامه گردباد، ص ۱۴۲)

- سببیّه:

دست: اعمال

گوش کن / پوزش دست‌های بلندم را / که زیر آوار کوتاهی / سر / بلند کرده‌اند.

(در ملکوت سکوت، ص ۴۰)

-آئیه:

کفش: رفتن، سلوک

یا میزبانی معطر / که تا کفش هایم / مرا بدرقه می‌کند

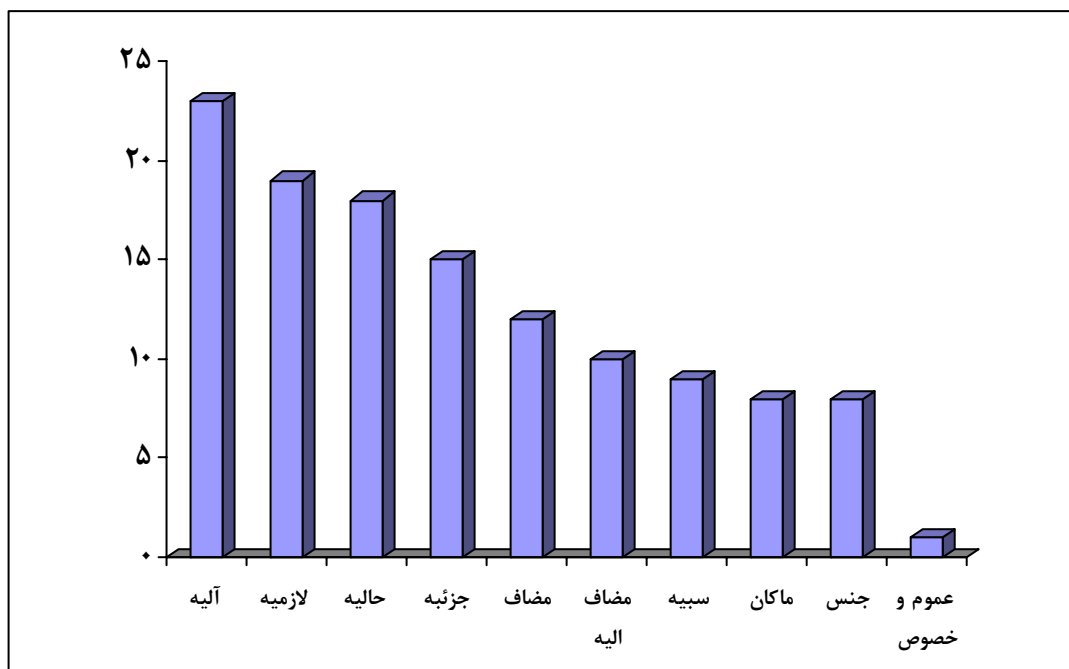
(در ملکوت سکوت، ص ۷۰)

- جنس:

پولاد: شمشیر

و از پولادی / که در کوفه / برج آفتاب را دو شق کرد  
(گنجشک و جبرئیل، ص ۳۲)

نمودار شماره ۱: انواع علاقه‌های مجاز به تفکیک انواع در اشعار دکتر سید حسن حسینی



یکی از عناصر زیبایی کلام پارادوکس است «پارادوکس، در اصطلاح، کلامی است که در ظاهر حاوی مفهومی متناقض است؛ بطوری که در نگاه اول پوچ و بی معنی به نظر می‌آید؛ اما در پشت معنی پوچ ظاهری آن حقیقتی نهفته است و همان تناقض ظاهری جمله، باعث توجه شنونده یا خواننده و کشف مفهوم زیبایی پنهان در آن می‌شود» (میرصادقی ۱۳۸۵: ۶۴). که به دو صورت ترکیبی و بیانی در مجموعه‌های سید حسن حسینی مشاهده می‌شود.

سید حسن حسینی، از یک سو، برای بیان محتواها و اندیشه‌های خاص، از پارادوکس با منشی آگاهانه استفاده کرده و از سوی دیگر، این عنصر ادبی را وسیله‌ای برای آشنایی زدایی و هنجارگریزی‌های نحوی در اشعار خود قرار داده است. در پارادوکس‌های ترکیبی دو سوی نقیض به یکدیگر اضافه می‌شوند و تعداد آنها نسبتاً قابل ملاحظه و از پارادوکس‌های بیانی بیشتر است. در نمونه‌های زیر، قطب‌های متضاد معنایی به یکدیگر اضافه شده‌اند که منجر به پدید آمدن تصاویر فرا واقعی زیبا شده است:

– رودهای تشنه

در لهیب خشکسالی‌ها به بستر می‌کشند  
(سفرنامه گرد باد، ص ۶۱)

رودهای تشنه، له له زن، خیال آب را

– رازهای برهنه

ناممکن است / با واژه‌های نقابدار / از رازهای برهنه گفتن (در ملکوت سکوت، ص ۶۰)

– حضيض اوج، بلندای سقوط

از حضيض این اوج / تا بلندی ای سقوط / هوس رخت کشیدن دارم

(هم صدا با حلق اسماعیل، ص ۱۰۴)

همچنین پارادوکس‌های بیانی، که از رهگذر اسناد دادن دو سوی نقیض به یکدیگر حاصل می‌شود و در آثار حسینی، یکی از عناصر تکرار شونده به شمار می‌آید که خواننده با درنگ بردو قطب متضاد، عنصر خیال موجود در آن را در می‌یابد. نمونه‌هایی از تصاویر پارادوکس بیانی:

- در خون غسل کردن

سکه مهتاب را دادی به شب‌های فقیر

ای کریم آسمانی با نگاه روشنت

غسل در جای خون کرد، نمازش کردیم

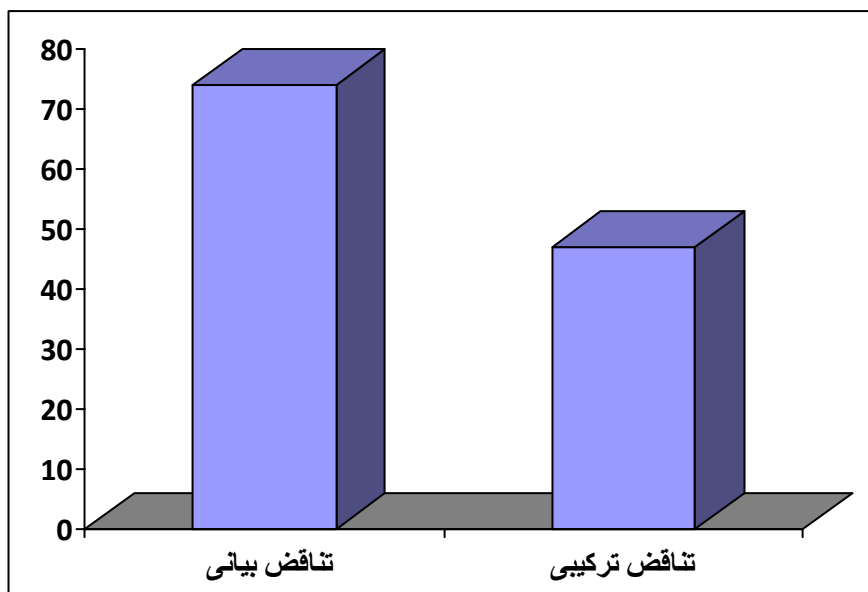
گرگ شد میش زبان بسته که نازش کردیم

(سفرنامه گردباد، ص ۶۷)

- قطره قطره سوختن

من آمدم که قطره قطره بسوزم (در ملکوت سکوت، ص ۲۰)

نمودار شماره ۱: انواع تناقض در اشعار سید حسن حسینی



آخرین عنصر تصویرسازی و شگرد هنری مورد بررسی در آثار سید حسن حسینی حسامیزی است. در یکی از وجوه برجسته ادای معانی از رهگذر صور خیال، کاری است که نیروی تخیل در جهت توسعه لغات و تعبیرات مربوط به یک حس انجام می‌دهد، یا تعبیرات و لغات مربوط به یک حس را به حس دیگر انتقال می‌دهد که به آن حسامیزی می‌گویند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۲۷۱).

سیدحسن حسینی از این عنصر خیال، برای بیان اندیشه‌ها، عقاید و احساسات ویژه شاعرانه خود به عنوان تمهیدی در جهت ایجاد روابط هنری و موسیقی معنوی میان کلمات سودجسته است. حسامیزی در آثار وی از بسامد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده و به دو شیوه به کار رفته است.

الف: مواردی از حسامیزی که در آن یکی از عناصر یا تعابیر مربوط به حواس پنج‌گانه به یکی دیگر از عناصر یا تعابیر مرتبط با حواس ظاهری بصورت اضافی و یا در قالب گزاره نسبت داده می‌شود:

- ترانه معطر:

مادرم / ترانه‌هایم را / یکی یکی معطر شنید

(از شرابه‌های روسری مادرم، ص ۵۴)

به مشام رسیدن عطر و بوی یک چیز، مرتبط با حس بویایی است و شنیدن صدایی از کسی یا چیزی، از طریق حس شنوایی قابل دریافت است.

- از چشم نوشیدن:

پس از قرن‌ها خشکی ریشه‌ام / ز چشم تو نوشید اندیشه‌ام

(سفرنامه گرد باد، ص ۱۴۱)

که در آن، چشم مربوط به حوزه دیدنی‌ها و حس بینایی می‌شود و نوشیدن با حس چشایی پیوند دارد. نمونه‌های دیگر عبارتند از هق هق تلخ (سفرنامه گرد باد، ص ۲۹)، فریاد سبز (در ملکوت سکوت، ص ۳۲)، صدای دود گرفته (در ملکوت سکوت، ص ۱۰۱)، بوی صدا (در ملکوت سکوت، ص ۱۳۰) و ...

ب: مواردی که عناصر و تعابیر مربوط به یک حس ظاهری به موارد انتزاعی و مجرد نسبت داده می‌شود. این نوع از حسامیزی نسبت به موارد دیگر اهمیت هنری کمتری دارد. ترکیب‌هایی از قبیل «تلخی زندگی» یا «رنگ غم» به قدری طبیعی جلوه می‌کنند که بعضاً حسامیزی در آنها از نظرها پنهان می‌ماند.

- تلخی تقدیر

شیرینی لبخند زیاد لب من رفت / جز تلخی تقدیر در این کام کسم نیست

(سفرنامه گرد باد، ص ۶۴)

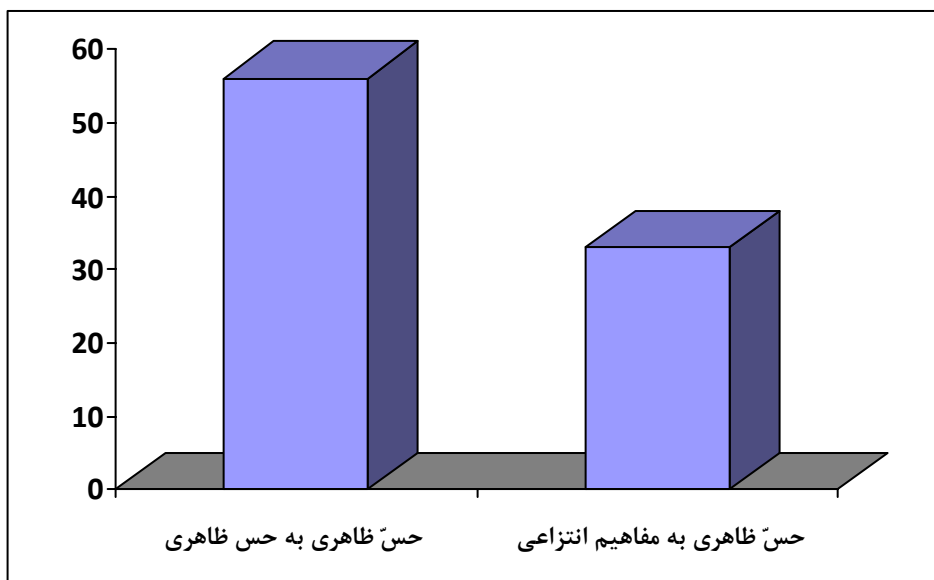
- بوی محشر

تنها به خاطر هست / خاکسترم بوی محشر داشت (در ملکوت سکوت، ص ۷)

- طعم غرور

من آن میوه لهیده‌ام / که طعم تند غرور می‌دهد (در ملکوت سکوت، ص ۳۰)

## نمودار شماره ۱: انواع حسّامیزی در اشعار سیدحسن حسینی



## نتیجه

سیدحسن حسینی برای تصویر سازی در اشعار، از ابزارها و عناصر مانند: تشبیه، استعاره، نماد، کنایه، مجاز، پارادوکس و حسّامیزی بهره گرفته است. تشبیه به عنوان یکی از عناصر تصویر ساز کلام، در آثار شاعر بسامد بالایی دارد، به لحاظ ساختار تقریباً همه انواع آن، از جمله: تشبیه مفصّل، مجمل، مرسل، مؤکّد و بلیغ در آن وجود دارد؛ اما نوع بلیغ آن، که بصورت اضافی و غیراضافی (اسنادی) است از همه چشم گیرتر است. در این میان، تشبیه بلیغ اضافی کاربرد بیشتری دارد و به همین علت، در اشعار وی ادات و وجه شبه کمتر ذکر شده‌اند و تشبیهات غالباً فشرده‌اند. در بررسی مشبّه و مشبّه به ملاحظه می‌شود که در اکثر موارد مشبّه حسّی، به مشبّه به حسّی اضافه شده است. به لحاظ شکل آن مانند: ملفوف، مفروق، تسویه، جمع، مضمّر، تفضیل در اشعار مشاهده می‌شود که تشبیه مفروق آن بسامد بالاتری دارد همچنین در تشبیه شاعر به اغراق و مراعات نظیر توجه دارد که بر زیبایی سخن شاعرانه‌ای او افزوده است.

از دیگر عناصر زیبایی کلام استعاره است. در بین انواع استعاره، سیدحسن حسینی از استعاره مصرّحه و استعاره مکنیه تقریباً به یک اندازه بهره برده است. نوع استعاره مکنیه بصورت تشخیص درصد بالاتری نسبت به نوع استعاره مکنیه غیرتشخیص دارد. در حوزه تشخیص که جولانگاه فکر و تخیل شاعر بوده، او به مفاهیم متنوعی توجه داشته است که این مفاهیم برای وی ویژگی‌های انسانی دارند. در تشخیص‌های به کار رفته، عناصر طبیعی و اشیا نیز مورد نظر شاعر بوده است؛ اما خلاقیت، احساسات و عواطف شاعر در بخش عناصر انتزاعی نمود بیشتری دارد.

در بخش نماد، سیدحسن حسینی از سه خاستگاه نماد؛ یعنی طبیعت، آیین‌های ملی و اساطیری و دین و مذهب، و بیش از همه از طبیعت برای ارائه تصاویر شاعرانه و بیان عواطف خود استفاده کرده است. وی در بهره‌گیری از این عنصر خیال، عمده از نمادهای مرسوم و قراردادی استفاده کرده است. البته مجموعه‌ها به کلی از نمادهای ابداعی و

شخصی خالی نیست، نکته دیگر آن که کاربرد عناصر طبیعت در مقام نماد منجر به شکل گیری سمبولیسم اجتماعی در اشعار وی شده است.

عنصر زیبایی شناسی دیگر در شعر حسینی کنایه است. در بررسی انواع کنایه، به لحاظ مکنی عنه، می توان اظهار کرد که کنایه های فعلی در اشعار وی از فراوانی بالاتری برخوردار هستند. در انواع کنایه از نظر وضوح و خفا آنچه بسامد بالایی دارد، ایما است. سید حسن حسینی در کنار کنایات تکراری گذشتگان، گاهی از کنایات امروزی در شعر خود بهره می گیرد مانند: حال کردن یا جر زدن از دیگر ابزار تصویرگری شاعر، مجاز است که با پنهان کردن معنای قاموسی واژه، آن را در کاربرد هنری برای بیان پندار شاعرانه خود به کار می گیرد. مجاز به علاقه های مختلف در اشعار وی وجود دارد که در این بین، مجاز به علاقه آلیه و لازمیّه نسبت به انواع دیگر بیشتر به چشم می خورد.

سید حسن حسینی همچنین برای خلق تصاویر مورد نظر خود، از دو عنصر بدیعی؛ یعنی تناقض (پارادوکس) و حسّامیزی سود جسته است. پارادوکس های به کار رفته در اشعار به دو شکل قابل بررسی است: ۱- ترکیبی ۲- بیانی. در مجموع پارادوکس های ترکیبی بیش از پارادوکس های بیانی مشاهده می شوند.

حسّامیزی نیز در آثار شاعر به دو صورت قابل مشاهده است:

۱- مواردی از حسّامیزی که در آن یکی از عناصر یا تعابیر مربوط به حواس پنج گانه به یکی دیگر از عناصر یا تعابیر مرتبط با حواس ظاهری به صورت اضافی و یا در قالب گزاره نسبت داده می شود. مانند شنیدن بو، هق هق چشم، بوسیدن نگاه و...

۲- مواردی که عناصر و تعابیر مربوط به یک حس ظاهری به موارد انتزاعی و مجرد نسبت داده می شود. مانند بوی محشر، رنگ، غم، بوی عشق و ...

## منابع

- ۱- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۱). سفر در مه، تهران: انتشارات نگاه.
- ۲- تجلیل، جلیل. (۱۳۶۲). معانی و بیان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳- ثروتیان، بهروز. (۱۳۶۹). بیان در شعر فارسی، تهران: انتشارات برگ.
- ۴- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۵). در ملکوت سکوت، تهران: انجمن شاعران ایران.
- ۵- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). سفر نامه گردباد، تهران: انجمن شاعران ایران.
- ۶- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). گنجشک و جبرئیل، تهران: نشر افق، چاپ پنجم.
- ۷- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). از شرابه های روسری مادرم، تهران: انجمن شاعران ایران.
- ۸- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). نوش داروی طرح ژنریک، تهران: سوره مهر، چاپ چهارم.
- ۹- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). هم صدا با حلق اسماعیل، تهران: سوره مهر، چاپ چهارم.
- ۱۰- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۶). سر دلبران، تهران: انتشارات مازیار.
- ۱۱- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۱). شعر بی نقاب، چاپ نهم، انتشارات علمی.
- ۱۲- شفیع کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۶). صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.

- ۱۳- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۳). بیان و معانی، تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۴- فتوحی، محمود. (۱۳۸۱). بلاغت تصویر، تهران: نشر گلرنگ یکتا.
- ۱۵- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۱). درباره ادبیات و نقد ادبی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم.
- ۱۶- کزازی، میر جلال الدین. (۱۳۸۱). بیان «۱» زیبا شناسی سخن پارسی، تهران: نشر مرکز، چاپ ششم.
- ۱۷- میر صادقی (ذوالقدر)، میمنت. (۱۳۸۱). واژه نامه هنر شاعری، نشر کتاب مهناز، چاپ سوم.